



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه روانشناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: جامعه شناسی

عنوان:

پایگاه اجتماعی، فرهنگی زنان در ایران باستان و علل وجودی آن

مورد مطالعه (هخامنشیان)

استاد راهنما:

دکتر حسین آقاجانی

استاد مشاور:

دکتر امیر آشفته تهرانی

پژوهشگر:

نفیسه ابراهیمیان

زمستان ۱۳۹۱

چکیده

ایرانیان از دیرترین روزگار به اصول اخلاقی معتقد بوده و بنا به دستور پیامبر باستانی خود از اندیشه نیک، گفتار و کردار نیک پیروی می کردند و حتی با غیر ایرانی رفتار با عدل و انصاف داشتند، بدیهی است با زنان هم بر مبنای این اصول به عدل و انصاف رفتار می کردند. از آثاری که طی حفاری های شوش پیدا شده و نیز تحقیقاتی که از روی قراین تاریخی و اسناد و سنگهای منقوش معمول است که زن به صورت ربه النوع مجسم و مورد ستایش قرار می گرفته و از لحاظ اجتماعی هم مقامی ارجمند داشته است. بنا به اعتقاد ایرانیان عهد باستان زن و مرد را اهورامزدا آزاد و یکسان و محترم خلق کرده و اهورامزدا با آن دو به یک زبان سخن گفته و قانون و دستور یکسانی را برای زندگیشان مقرر داشته است.

اکنون این سوال پیش می آید که: پایگاه اجتماعی، فرهنگی زنان در ایران باستان عصر هخامنشیان چگونه بوده است؟

در این تحقیق منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک منشور و منظومی است که از دوره های گذشته به جای مانده است. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار میگیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهشگران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده اند. اما آنچه معروف است اینکه؛ پژوهش اسناد اعم از اسنادی و تاریخی است؛ به همین جهت در این نوشتار تحقیق کتابخانه ای به عنوان یکی از اقسام تحقیق اسنادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

و اما در پاسخ به سوالات زیر باید گفت:

موقعیت اجتماعی فرهنگی زنان در عهد هخامنشیان چگونه بوده است؟

نقش اسطوره های زن در دوره هخامنشیان چگونه بوده است؟

منزلت زنان در دوره هخامنشیان چگونه بوده است؟

در دوره ی هخامنشی ها، اگر چه مقام و موقعیت اجتماعی زن به پایه ی گذشته نمی رسید و همچنین حقوق و امکانات او در خارج از خانه و اجتماع از بعضی جهات با مرد نمی توانست قابل مقایسه

باشد ولی آنچه به تحقیق دانسته شده تا حد زیادی انسانی و عادلانه بوده، بطوری که زمینه اجتماعی آن تا دوره‌ی اشکانیان و آخر دوره‌ی ساسانیان و حتی در متن اجتماعی دوره‌های بعد از آن هم باقی ماند. زنان در دوره‌ی هخامنشی‌ها مانند دوره‌ی پیش از ظهور زرتشت با روی گشاده، همه جا رفت و آمد می‌کردند و شهبانو همچون پادشاه تاج بر سر می‌نهاد و بر تخت شاهی تکیه می‌زده و به طور کلی زنان در امور سیاسی مداخله می‌کردند.

فهرست

فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱
۱-۱ مقدمه.....	۲
۲-۱ بیان مساله.....	۴
۳-۱ واژگان کلیدی.....	۶
۴-۱ اهداف تحقیق.....	۶
فصل دوم: چهارچوب نظری.....	۸
۱-۲ پیشینه تحقیق.....	۹
۲-۲ زن در ایران باستان.....	۱۰
۳-۲ مقام زن در اوستا.....	۱۴
۳-۲-۱ زن در آیین زرتشت.....	۱۷
۳-۲-۲ زن در گاهان.....	۲۱
۴-۲ مدارک تازه درباره نقش زنان در دوران هخامنشی.....	۲۵
۵-۲ نقش سیاسی و اجتماعی زنان در دوران هخامنشی.....	۲۷
۶-۲ زنان در سفرها و لشکرکشیها.....	۲۹
۶-۲-۱ زنان جنگجوی هخامنشی در شاهنامه فردوسی.....	۳۴
۷-۲ جشن ها و تشریفات.....	۳۶
۸-۲ مقتدرترین زنان دوران هخامنشی.....	۳۹
۹-۲ موقعیت ممتاز مادران و همسران پادشاه.....	۴۱
۱۰-۲ نقش زنان موقت.....	۴۴

۴۸	۱۱-۲ موقعیت اجتماعی و فرهنگی زنان هخامنشی
۵۰	۱۲-۲ طبقات زنان
۵۴	۱-۱۲-۲ زنان درباری
۶۰	۲-۱۲-۲ زنان غیر درباری
۶۱	۳-۱۲-۲ زنان حرم - همسران موقت
۶۴	۱۳-۲ نگاره های زنان درباری
۸۴	۱۴-۲ نگاره های زنان غیر درباری
۸۹	۱۵-۲ زنان و اقتصاد هخامنشی
۸۹	۱-۱۵-۲ مشاغل و درآمدها
۹۲	۲-۱۵-۲ املاک زنان سلطنتی
۹۷	۳-۱۵-۲ حقوق زنان غیر سلطنتی
۹۸	۴-۱۵-۲ ایرد به مه و نیروی کار او
۱۰۳	۵-۱۵-۲ استقلال اقتصادی زنان
۱۰۴	۶-۱۵-۲ تساوی حقوق زنان و مردان
۱۰۵	۱۶-۲ ازدواج و روابط خانوادگی در دوران هخامنشیان
۱۱۱	۱-۱۶-۲ ازدواج های سیاسی
۱۱۳	۲-۱۶-۲ منع ازدواج با بیگانگان
۱۱۶	۳-۱۶-۲ ازدواج با محارم
۱۱۶	۱۷-۲ زینت و پوشاک زنان هخامنشی
۱۱۹	۱۸-۲ زن و اسطوره

- ۱۹-۲ اسطوره های زن اهورایی ۱۱۹
- ۲۰-۲ اسطوره های زن اهریمنی ۱۳۱
- ۲۱-۲ نام چند تن از زنان برجسته که در آئین مزدیسنا نیز ستوده شده‌اند: ۱۳۵
- ۲۲-۲ بانوان ایرانی در دوران هخامنشی ۱۳۷
- فصل سوم: روش تحقیق ۱۵۵
- ۱-۳ روش شناسی (متدلوژی) ۱۵۶
- ۲-۳ فرق بین روش شناسی و روش تحقیق و پژوهش ۱۵۸
- ۳-۳ کاربردهای اصلاح روش ۱۵۹
- ۴-۳ پژوهش اسنادی ۱۶۰
- ۵-۳ زمینه های مورد استفاده از روش اسنادی ۱۶۱
- ۶-۳ کاربرد روش اسنادی در تحقیقات تاریخی ۱۶۱
- ۷-۳ کاربرد روش اسنادی در مآخذ یابی ۱۶۲
- ۸-۳ انواع گوناگون اسناد ۱۶۵
- ۸-۳-۱ اسناد کتبی ۱۶۶
- ۸-۳-۲ آمارها ۱۶۶
- ۸-۳-۳ سندهای دیگر ۱۶۷
- ۹-۳ مدل تحقیق ۱۶۸
- فصل چهارم: یافته های تحقیق ۱۶۹
- ۱-۴ زنان باستان ۱۷۰
- ۲-۴ دیدگاه دین زرتشت به زن ۱۷۲

۳-۴	موقعیت اجتماعی، فرهنگی زنان درباری و غیر درباری در دوره هخامنشی	۱۷۵
۴-۴	آداب و رسوم ازدواج در دوره هخامنشی	۱۸۸
۵-۴	زینت و پوشش زنان هخامنشی	۱۹۰
۶-۴	اساطیر زن در دوره هخامنشی	۱۹۰
۷-۴	زنان برجسته در آیین مزدیستا	۱۹۶
۸-۴	بانوان ایرانی در دوران هخامنشی	۱۹۶
	فصل پنجم: نتیجه گیری	۲۰۰
	نتیجه گیری	۲۰۱
	پیوست ها	۲۰۹
	منابع	۲۲۴

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

برای نوشتن این پروژه، تلاش نگارنده بر آن بوده که در حد امکان، از منابع و ماخذ مورد اعتماد استفاده نماید. موضوع این تحقیق مربوط به دوران کهن (هخامنشیان) می باشد بنابراین مستند این دوران همانا ابزار و اشیاء مکشوفه و اثر نوشتاری اعم از سنگ نوشته یا الواح و نظریات و حدسیات علمی و پژوهشی دانشمندان است. در فرهنگ و تمدن عظیم ایران، زنان همواره از مقام و جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده اند. زنان در طول تاریخ ایران باستان چه بصورت کلام و چه در عمل مورد توجه قرار گرفته اند و آنان را دستاویز جنگ، کودتا، انتقام و حتی صلح و دوستی و مودت قرار می دادند و زمانی هم به عنوان مرکز و هسته اصلی ظهور کرده اند.

توجه به زنان در همه ادوار یکسان نبوده است گاهی شاهد برتری و سروری او هستیم که به صورت اصل مادینه هستی معرفی می شوند و زمانی نزول و افول او را می بینیم، دوره ای او را برابر با مرد و در دوره ای تنها وسیله ای برای دستیابی به اهداف جامعه می بینیم. زنان در هیچ دوره ای از تاریخ ایران کنار گذاشته نشده و افول او را به صورت مطلق نمی بینیم و همواره از او در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن این سرزمین استفاده شده است. در دوره ایران باستان ما شاهد این هستیم که بسیاری از صناعی را که امروزه از آنها بهره می بریم به دست زنان پایه گذاری شده است. ناپلئون بناپارت می گوید: «اگر می خواهید اندازه پیشرفت تمدن ملتی را بدانید، به زنان آن ملت بنگرید»

در بسیاری از روایتهای تاریخی زنان را در صحنه های کشور داری، سیاست، جنگ و... می بینیم.
همچون آرتیمیس و آتوسا

بسیاری از نقوش به دست آمده حضور زنان را در میان مردان و جامعه اثبات می کند و تمام این شواهد گواه از احترام و پاس زن در نزد ایرانیان است. در دین زرتشت نیز زن از چنان مقام والا و ارجمندی برخوردار بوده که در کمتر آیینی با آن روبرو می شویم. زن یکی از اعضای خانواده محسوب شده و در تمام شئون و مراحل زندگی با مرد برابری می کرده است. در همه جا نام زن و مرد با هم آمده است و در انجام اعمال مذهبی و خواندن ادعیه برابر دانسته شده اند. همانطور که در سینا آمده است: «ما همه فروهران، روانهای زنان و مردان پارسا را می ستاییم»

بهترین دلیل بزرگی زنان، مسئولیت ویژه ای است که بر عهده زنان است. زادن، پروراندن، بلوغ رساندن، شناخت هویت زن ایرانی بیشتر در این قسمت از زندگی او خلاصه می شود.

در سرتا سر تاریخ این سرزمین به روایتهایی بر می خوریم که مادران در آن ستوده شده اند، چنانکه در دوره هخامنشی، کوروش کبیر تمامی احترامات را که شایسته یک مادر است در حق مادرش ماندانا روا می داشت و بسیاری از مادرانی که فرزندان بسیار داشتند سالانه از پادشاه هدایایی دریافت می کردند و یکی از دلایل معدودی که شوهر می توانست همسر دومی اختیار کند، همانا نازا بودن زن بود.

آنطور که می دانیم یکی از ضوابط برجسته تمدن و ملتی با فرهنگی، چگونگی وضع اجتماعی و مقام زنان در آن جامعه بوده و در طی روندی تاثیر گذار باید گفت: رشد فرهنگها و آداب و رسوم و جهان بینی نقش مهمی در ارزشمند شدن زنان در هر جامعه ای داشته و دارد سپس پر بیراه نخواهد بود اگر آن اقوام و فرهنگهایی را که در آن زنان از لرزش کمتر و پایین تری برخوردار هستند ما جزو فرهنگهای عقب مانده و مرتجع محسوب بداریم. چرا که از دیدگاه آفرینش تنها نیکی و درستی و پرهیز کاری انسانهاست که در طول زندگی و حیاتشان ارزشمندی آنها را تعیین می کند نه جنسیت و پول و مقام و قومیت و آنچه موجب برترین انسانها و اقوام مختلف می گردد در دیدگاه فرهنگی و اندیشمندانه آنان در راستای آفرینش و تکامل می باشد. با نگرشی جستجو گرانه اگر بخواهیم نقش و حضور تاثیر گذار زن را در ایران باستان و دوره هخامنشیان بررسی نموده و به نتایج روشنگرانه ای

برسیم بی شک خواهیم دید که از روزگاران کهن که وظیفه مرد شکار بوده و چراندن گله ها، زنان در رهبری خانه ما خانواده و اجتماع شریک مرد به شمار آمده و در کارهای اجتماعی بویژه مسائل تربیتی - وجود زنان نقش ارزنده ای داشته است حال چه در پخت و پز و چه ساخت و تزیین ظروف سفالین و... و چه در بهره بردن از طبیعت و محصولات دامی و کشاورزی و این نقش تاثیر گذار، کنار قضیه توالد و زاینده بودن زن، اهمیت او را در جامعه کهن مضاعف نیز نمی نموده است، به گونه ای که حتی انسان پیش از تاریخ، بویژه در فلات تمدن ساز ایران، نخستین پروردگار را مانند زن می دانستند که همواره در حال زایمان فرزندان و آفریده های خود است که آنان را پس از زایمان پرورش می دهد، پس هر ساختار زاینده و سازنده ای را در قالب زن می دیده اند، از این رو عناصر و پدیده هایی همچون زمین و آب و... که جایگاه باروری و بالندگی داشته اند نام مقدس مادر (زن) را به خود گرفته اند و این اندیشه که مرور جنبه الوهیت و تقدس نیز یافته و در طی زمان باور انسان آروز به ایزد بانوان متعدد قوت گرفت و آنچنان به بالندگی رسید که خدایان زن در برهه ای از زمان در صدر خدایان مورد پرستش انسان پیش از تاریخ قرار گرفت و این تقدس را می توان در ایزد بانوان قدرتمندی چون ایزد بانو آناهیتا یافت. اوست که سرور همه آبهای زمین است.

۲-۱ بیان مساله

بحث درباره مقام زن در دوره هخامنشیان نسبت به ادوار مادی و عیلامی و ماقبل آن دقیق تر و در عین حال از نظر آگاهی بیشتر ما به موقعیت زن در آن زمان جالب تر است. موقعیت اجتماعی و مقام بلند زن در نزد ایرانیان قدیم دو ریشه دارد: ۱- اینکه در نزد همه اقوام ایرانی، مخصوص در دوران هخامنشیان، ساسانیان، و اشکانیان، زن و مادر احترام فوق العاده ای داشته اند، زنها در هنرهای تصویری، پارس قدیم، نموده میشدند. در دوره ی هخامنشی، مقام زن را از جهت اهمیت مسئولیتی که آنان در زاییدن و تربیت فرزندان بر عهده داشتند می توان یافت. ۲- همچنین در مورد آموزش و پرورش زن در این دوره باید گفت که در بعضی موارد زنها وظایف دستوری و روحانیت را نیز عهده دار می شدند. در دین کرد به قابلیت زنها برای مقام قضاوت اشاره رفته است و صریحا ذکر شده که زنانی را که تحصیل حقوق نموده اند برای مقام قضاوت بر مرد اینکه از آنها بی بهره اند ترجیح باید

داد. همچنین درباره زن و حکومت در دوره هخامنشی باید گفت: که زنان در دربار، اگر چه اسیران کاخ نشین و در رفاهی بیش بودند ولی تعداد قابل توجهی از آنان نیز، خود حکومتی در داخل حکومت تشکیل داده بودند. منابع یونانی توصیف خود را از زنان دربار هخامنشی روی فعالیت‌های زنان در دربار متمرکز کرده اند.

یکی از جنبه های زندگی زنان بخصوص زنان دربار در دوره هخامنشی حضور آنان در اجتماع و میان مردم است. در ایران باستان زن مقام ارجمندی را دارا بوده است و یکی از اعضای خانواده محسوب می شده و در تمام شئون زندگی با مرد برابری می کرده است و برای اثبات این موضوع شواهد زیادی در دست است.

در اوستا هم جا نام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده و کارهای دینی که زنان باید انجام دهند و دعاهایی که باید بخوانند زن را با مرد برابر می دانستند. در زمان هخامنشیان زنان از جایگاه ویژه ای در اجتماع و در دربار دارا بودند آنان زن را نماد پاکی و قداست در دربار می دانستند و همواره از زنان خود به عنوان مشاورین اصلی خود سود می بردند. با تعریف تاریخ بدست یونانیان پرسشهایی درباره تعداد زوجین در دربار هخامنشی به وجود آمد. از ابتدای ورود قوم آریایی به ایران و حتی تا کوروش کبیر حتی پس از مرگ همسرش کاساندان نیز ازدواج نکرد و تا پایان عمر نسبت به همسر خویش پایبند ماند.

زن ایرانی در حالی در دوره هخامنشی به یکی از بهترین جایگاه های شایسته شان خود دست می یابد که هنوز هم در کشورهای امروزی جهان، جنبش های آزادی خواهانه و برابری جویانه زنان در آرزو و آرمان بدست آوردن آن هستند. داشتن شخصیت حقوقی و مالی مستقل، حقوق و امتیازهای بالا با مردان و گاه (در امور خاص زنانه) بیشتر از آنان، مدیریت و سرپرستی بنگاه های بزرگ کشاورزی و صنعتی در جامعه ای تک همسری، تنها نمونه هایی کوتاه از آن است.

در بررسی اسطوره های زن ایرانی به دو نیروی مثبت و منفی بر می خوریم. هم زمان با آفرینش اشاسپندان و ایزدان در جهان مینوی دیوان نیز در مقابل آنها و در دنیای اهریمنی خلق می شوند از

اینرو آنان را به دو گروه تقسیم می‌کنیم، اسطوره‌های زن که جزء لشگریان اهورایی و اسطوره‌های زن که در شمار لشگریان اهریمن هستند.

این تحقیق انگیزه‌ای است در جهت آگاه‌سازی موقعیت زنان در گذشته بخصوص در دوره هخامنشیان و عللی که موجب این موقعیت شده است؛ و با این سوال اساسی آغاز میشود که «پایگاه اجتماعی، فرهنگی زنان در ایران باستان عصر هخامنشیان چگونه بوده است؟»

۳-۱ واژگان کلیدی

پایگاه اجتماعی: اصطلاحی در جامعه‌شناسی که به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی اطلاق می‌گردد.

پایگاه زنان: تمایلات و درخواست‌های زنان و سهم بالقوه آنان در تولید و نیاز به یکپارچه نمودن آنها در توسعه فرآیندها

پایگاه فرهنگی: اصطلاحی در جامعه‌شناسی که به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی و فرهنگی اطلاق می‌گردد.

۴-۱ اهداف تحقیق

هر تحقیق در زنجیره‌ای بهم پیوسته جای می‌گیرد که به پرسشهایی پاسخ می‌دهد از یافته‌ها پیشین بهره می‌گیرد و به خزانه دانش می‌افزاید و با آن اعتلا علم را موجب می‌شود. از لحاظ اجتماعی زن در دوره هخامنشی به معنای واقعی در هر زمان و مکان بطور برابر در فعالیتهای سیستم اجتماعی شریک مرد بود حتی در جهت قوانین دینی می‌توانست به مرحله زوت برسد یعنی درجه‌ای در مقام بالای مذهبی که لازمه آن، فراگیری علوم دینی تا بالاترین مرحله آن بود، همچنین زنان در ایران باستان می‌توانستند به پادشاهی برسند برای نمونه آژی دهاک پدر بزرگ مادری کوروش چون پسری نداشت، پادشاهی پس از وی به دخترش ماندانا مادر کوروش می‌رسید.

از لحاظ فرهنگی نخستین موضوعی که جلب توجه می‌کند لباس زنان است که همان لباس سپندار هخامنشی است که مردها هم برتن می‌کردند و همان کلاهی است که مردها بر سر می‌گذاشتند. در

زمان هخامنشیان اقتدار زنان بسیار جلوه گری می کند از جمله آتوسا: ملکه بیش از ۲۸ کشور در زمان امپراتوری داریوش، آرتامیس: نخستین و تنها زن دریا سالار تابه از امروز و... همچنین اسطوره های زن در این دوره به دو گروه تقسیم می شوند: اسطوره های زن اهورائی و اسطوره های زن اهریمنی.

در زمان هخامنشیان، زنان همانگونه که عادت پیشینیان بود، منزلتی عالی داشتند. با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می کردند، صاحب ملک و زمین می شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند و می توانستند به نام شوهر یا به وکالت از طرف وی به کارهای مربوط به او رسیدگی کنند.

اکنون در اینجا این سوالات پیش می آید که:

۱. موقعیت اجتماعی زنان در عهد هخامنشیان چگونه بوده است؟
۲. موقعیت فرهنگی زنان در عهد هخامنشیان چگونه بوده است؟
۳. نقش اسطوره های زن در عهد هخامنشیان چگونه بوده است؟
۴. منزلت زنان در عهد هخامنشیان چگونه بوده است؟

فصل دوم
پیشینه تحقیق
مبانی چهارچوب نظری

۱-۲ پیشینه تحقیق

موضوع این تحقیق مروری است بر پیشینه جایگاه زنان ایران در دوره هخامنشیان و بررسی این موضوع که در آن دوران زنانی که در این سرزمین زندگی کرده اند، چه وضع و موقعیتی داشته اند و نقش آنان در ساختار خانواده و جامعه و حکومت بر چه منوال بوده است.

بررسی های دانشمندان نشان از آن دارد که در بنیانگذاری تمدن اولیه بشر و سیر آن به سوی تکامل، زنان ایران نقش اساسی داشته اند و پس از شکل گیری تمدن اولیه نیز بر طبق قرائن موجود، جایگاه و آثار وجودی زنان به کیفیتی بوده که حدود دو هزار سال، امور جامعه را به عهده داشته اند که بعدها دوران مزبور به «دوران زن سالاری یا مادر شاهی» شهرت یافته است. بعد از آن نیز که حدود هفت هزار سال پیش، زنان تدریجا قدرت را به مردان واگذار کرده اند و از آن تاریخ دوران «مرد سالاری» آغاز گردیده، باز هم زنان نقش مهم و سازنده ای در تمام زمینه های اجتماعی و خانوادگی و حتی حکومتی داشته اند، و بعد از روی کار آمدن آریایی ها، و تشکیل سلسله های پادشاهی آریایی ماد و هخامنشی در ۲۷۰۰ سال پیش، به جایگاه و موقعیت اجتماعی زنان ارج نهاده شد و آنان برحسب مقتضیات و شرایط زمان، تلاش کرده اند که علاوه بر نقش محوری خود در ساختار خانواده، شایستگی ها و توانایی های خود را در ساختار نظامات جامعه و حکومت نیز نشان دهند.

لازم به توضیح است که متاسفانه مدارک و اسناد لازم در مورد پیشینه تاریخی زنان ایران بسیار محدود است و آنچه که فعلا در دسترس می باشد نمی توان به صحت همه آنها اطمینان داشت. بعد از آن نیز راجع به دوران مادها و هخامنشیان چندین منبع تحقیقاتی و مطالعاتی وجود دارد که می توان آگاهی های ارزشمندی در مورد اوضاع و احوال زنان آن عصر به دست آورد که از عمده ترین این منابع، مندرجات هزاران لوح آجری مکشوفه از خرابه های تخت جمشید و نیز کتب تاریخی یونان و سنگ نوشته ها و آثار عتیقه مکشوفه از نقاط مختلف ایران می باشند. می توان گفت که مهمترین منابع تاریخی مربوط به دوران هخامنشیان و اشکانیان، نوشته های مورخین یونانی و رومی و تا حدی مورخین یهودی و ارمنی است که در این تحقیق از ترجمه همان منابع و با واسطه از کتب معتبری چون تاریخ ایران باستان و تاریخ اجتماعی ایران استفاده شده است.

۲-۲ زن در ایران باستان

ایرانیان از دیرترین روزگار به اصول اخلاقی معتقد بوده و بنا بدستور پیامبر باستانی خود از اندیشه نیک، گفتار و کردار نیک پیروی می کردند و حتی با ملل غیر ایرانی رفتاری به عدل و انصاف داشتند و دادگری و آزادمنشی و مهربانی و جوانمردی و بخشندگی را بزرگترین فضیلت انسان می شمردند، بدیهی است با زنان هم بر مبنای این اصول به عدل و انصاف رفتار می کردند و حقوق و مقام ایشان را چه در میان افراد خانواده و چه در اجتماع، آن چنان که سزاوار شخصیت انسانی و فضایل اخلاقی و معنوی خودشان بود گرامی و محترم می داشتند (قویمی، ۱۳۵۲، ۳۵).

در دوره ی مادر شاهی، زن در ایران نسبت به مرد مقامی برتر داشت. در این دوره زن امور قبیله را اداره می کرد و به مقام روحانیت می رسید و حتی سلسله انساب خانواده به نام او بود زیرا زن ناقل خون قبیله به خالص ترین شکل خود دانسته می شد. در این دوره زنان در فعالیت کشاورزی و اقتصادی سهم بیشتری داشتند بدین جهت مردان برای زنان ارزش و مقامی بزرگ قایل بودند و زنان را مظهر نعمت و فراوانی می دانستند. در این اجتماعات قبیله ای، زنان و مردان با حق مساوی روسای خود را انتخاب می کردند و درباره ی جنگ یا صلح تصمیم می گرفتند. در این دوره بود که زن در

فلات ایران به راز حاصلخیزی پی‌برد و گندم کاشت و به درو کردن آن پرداخت و نیز خانه ساخت و به کارهای دستی و صنایع ابتدایی مشغول شد (علوی، ۱۳۸۰، ۱۴-۱۳).

بنا به اعتقاد ایرانیان عهد باستان زن و مرد را اهورامزدا آزاد و یکسان و محترم خلق کرد. و اهورامزدا با آن دو به یک زبان سخن گفته و قانون و دستور یکسانی را برای زندگی شان مقرر داشته و به آنان گفته: شما پدر و مادر مردمان جهان هستید من شما را پاک و پارسا بیافریدم با پارسایی داد به کار بندید. نیک اندیش، نیک گفتار و نیک کردار باشید. و نخستین چیزی که آن نخستین زن و مرد اندیشیدند این بود که هر یک از ما باید خشنودی و دوستی دیگری را فراهم آوریم (کریستین، ۱۳۷۹، ۴۱).

با مراجعه به اوستا کتاب دینی نیاکان ما در ایران زمین می‌بینیم که مقام زن در دین باستانی ایرانیان برابر مرد بوده و همه جا نام مشی و مشیانه^۱ در یک ردیف ذکر شده و حتی سن بلوغ برای زن و مرد یکسان می‌باشد تا هر دو در ادای فرایض دینی و انجام وظایف اجتماعی در یک مرحله واحد سنی احساس مسئولیت کنند. اشو زرتشت احترام زن را از واجبات شمرده و توهین به وی را بر خلاف عقل دانسته است (همان منبع، ۴۲).

در آغاز دوران زندگی اجتماعی بشر، زن نسبت به مرد، در سراسر روی زمین به طور اعم و در میان مردمان ایران به طور اخص دارای مقام برتر و احترام فوق العاده ای بوده است و در این دوره (از اواخر عصر حجر که به شش یا هفت هزار سال قبل از میلاد می‌رسد تا عصر مفرغ و برنز و حتی اوایل عصر آهن که به دوره مادشاهی معروف می‌باشد) شخصیت زن به خاطر امتیازات اقتصادی و اجتماعی و حق قضاوت و حکمیت در حل و فصل مسایل قومی و فراهم آوردن رفاه و فراوانی، به صورت ربه النوع های گوناگون مجسم شده است (نوذری، ۱۳۷۶، ۱۰۸).

گیرشمن در این باره می‌نویسد: «مردم ایران در ما قبل تاریخ برای توجیه فکر کنجکاو خود در مقابل این پرسش که خالق اول انسان چه کسی و چگونه بوده، زن را که علاوه بر داشتن اشتراک مساعی با مرد در تمام امور، دارای امتیاز زاینده است و نخستین زن را که مادر تمام زندگان است به صورت خدا مجسم می‌کنند و تصور خود را از او به وسیله‌ی بت متجلی می‌سازند. مجسمه‌هایی که به

۱. نخستین زوج بشر در اعتقاد زرتشتیان.

فراوانی از راه حفریات باستان شناسان از نواحی ما قبل تاریخی بدست آمده و زن را به صورت الهه های گوناگون نشان می دهد گواه این حقیقت است» (همان منبع، ۱۰۹).

از آثاری که طی حفاری های شوش پیدا شده و نیز تحقیقاتی که از روی قراین تاریخی و استاد و سنگهای منقوش دوره ایلامیان به عمل آمده معلوم گشته که زن در آن عهد به صورت رب النوع مجسم و مورد ستایش قرار می گرفته و از لحاظ اجتماعی هم مقامی ارجمند داشته است. در هزاره ی سوم و دوم قبل از میلاد نقش زنان در جامعه ی کهن ایلام نسبت به مرد برتر بوده و حتی رسیدن به پادشاهی از طریق مادر انتقال می یافته است. چنان که در اوستا و شاهنامه هم اشاراتی در این باره دیده می شود، مانند پدید آمدن منوچهر از دختر همسر ایرج (همان منبع، ۱۱۰).

در هزار و پانصد سال قبل از میلاد که ایلامیان به مرحله ی تمدن شهرنشینی رسیدند، باز مقام زن از لحاظ معنوی، در همان مرتبه ی ادوار گذشته باقی بود و مجسمه ی ربه النوع ها مورد ستایش قرار داشت. این زمان که دوره ی سلطنت اونتاشکال و همسر او ناپیراسو بوده، یکی از درخشانترین ادوار تاریخ ایلام به شمار میرود و این ملکه قدرتی بس عظیم داشته است (نفیسی، ۱۳۴۳، ۸۹).

جوامع مادی، در دوران ما قبل تاریخی همچون قاعده ی کلی رایج در میان جوامع دیگر آن دوران، بر اصل سیستم اقتصاد مادر شاهی مبتنی بوده، اولاً ربه النوع هایی به صورت زن تجسم و مورد پرستش قرار داشته، ثانیاً زن در اجتماع دارای شخصیتی برتر و بالاتر از مرد بوده، سوم آنکه در کلیه امور اجتماعی و اقتصادی با مرد مشارکت و همکاری داشته و از حق قضاوت و حق انتخاب رئیس قبیله و حقوق کامل برخوردار بوده است (همان منبع، ۹۰).

در دوره ی هخامنشی ها، اگر چه مقام و موقعیت اجتماعی زن به پایه ی گذشته نمی رسید و همچنین حقوق و امکانات او در خارج از خانه و اجتماع از بعضی جهات با مرد نمی توانست قابل مقایسه باشد ولی آنچه به تحقیق دانسته شده تا حد زیادی انسانی و عادلانه بوده، بطوری که زمینه اجتماعی آن تا دوره ی اشکانیان و آخر دوره ی ساسانیان و حتی در متن اجتماعی دوره های بعد از آن هم باقی ماند. زنان در دوره ی هخامنشی ها مانند دوره ی پیش از ظهور زرتشت با روی گشاده، همه جا رفت و آمد می کردند و شهبانو همچون پادشاه تاج بر سر می نهاده و بر تخت شاهی تکیه می زده و به طور کلی زنان در امور سیاسی مداخله می کردند. پلوتارک می نویسد: «اداره ی شاه و ملکه در زمان

هخامنشی‌ها در ردیف هم بوده و زنان دربار دارای نفوذ فراوان بودند و پادشاهان از ایشان حرف شنوی داشتند» (احتشام، ۱۳۵۵، ۵۲ به نقل از: پرشاد، ۱۳۸۰، ۴).

مقام زن از نظر کوروش بدان پایه محترم و عالی بود که به پسران خود وصیت کرد که در انجام هر کار از مادر خود فرمانبرداری کنند. داریوش کبیر همیشه از همسر خود کمک‌های موثری میگرفت چه در آغاز کار و جنگ‌های اول سلطنت، چه در سال‌های سازندگی، ملکه آتوسا در همه مسئولیتها و در همه دشواری‌های زندگی شاهنشاه سهیم بود و حتی توانست پسر خود خشایارشا را به تخت سلطنت برساند (آهی، ۱۳۴۶، ۱۹، به نقل از: انوشیروانی، ۱۳۸۶، ۵).

در این دوره هفتاد درصد زنان در کارهای تولیدی و کارگری دوش به دوش مردان فعالیت می‌کردند و مزدی تقریباً به اندازه‌ی هر یک از آنان دریافت می‌نمودند. در امور لشکرکشی و در صحنه‌های پیکار ظاهر می‌شدند و با دشمن می‌جنگیدند. در انتخاب ولیعهد دخیل بوده و نقش تعیین‌کننده داشتند. مرد هرگز نمی‌توانست اراده‌ی خود را به او تحمیل کند. در این دوره نیز ربه النوعهایی به صورت زن مورد ستایش قرار داشتند. به خصوص آنهایی که رب و النوعی عظیم‌الشان و مورد توجه عموم جامعه بوده و این خود دلیل بر احترام و مقام و منزلت بانوان در دوره هخامنشیان می‌تواند باشد. در این عصر پادشاه در امور مملکت نظریات ملکه را تامین می‌کرده و کسی حق توهین به زن را نداشته و حتی بعضی امور مهم مملکتی به زن‌ها ارجاع می‌شده است (آهی، ۱۳۴۶، ۲۰-۱۹، به نقل از: انوشیروانی، ۱۳۸۶، ۶).

در ایران باستان پدر خانواده نمی‌توانسته دختر خود را بدون رضایت او مجبور به ازدواج کند. دختر می‌توانسته بدون اجازه‌ی پدر و حتی بر خلاف میل او شوهر کند. پدر هم ناگزیر بوده اگر دختر درآمدی نداشته هزینه او را بپردازد. سهم زن و دختر از دارایی خانواده مصون از تعرض بوده زن حق اعتراض داشت و می‌توانست در محکمه حاضر شود و از اتهام یا دعوی علیه خود دفاع کند. زن می‌توانست در محکمه قول رئیس خانواده یا شوهر را نپذیرد. زن می‌توانست معامله کند و زن حق مالکیت داشت و می‌توانست دارایی خود را اداره کند. زن می‌توانست از روی قانون از طرف شوهر خود داخل محاکمات شود و به نام شوهر امور شخصی را اداره کند زن حتی می‌توانست در برخی مواقع به جای موبدان مراسم دینی به جای آورد (شایان، ۱۳۵۲، ۱۰۳، به نقل از: پرشاد، ۱۳۸۰، ۲).